

**کام ایر**  
 بالهای مطمئن

کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

- مهمانداران داخلی و خارجی
- شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی
- خدمات عالی
- طیارات مدرن

4422 +93799974422  
 (داخلی) (خارجی)

www.kamair.com

helpdesk@kamair.com

/ kamair

صدای مردم

افغانستان

هفته نامه

سال ششم/شماره ۲۵۰/یکشنبه/۱۲ عقرب ۱۳۹۸  
 Sun/ 3 Nov, 2019/ Vol 06 / No. 250

خبر

**خلیل زاد: کاهش خشونت‌ها برای تامین صلح پایدار در افغانستان ضروری است**

زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان می‌گوید، که کاهش خشونت‌ها برای تامین صلح پایدار در افغانستان ضروری است. سفارت امریکا در کابل دیروز شنبه (۱۱ عقرب) در یک بیانیه‌ی گفته است، خلیل زاد از ۲۶ تا ۲۸ اکتبر و از ۲۹ اکتبر تا ۱ نوامبر در کابل بوده، با رئیس‌جمهور غنی، عبدالله عبدالله رئیس اجرایی حکومت و دیگر سیاست‌مداران و فعالان جامعه مدنی افغانستان دیدار کرده است. در بیانیه سفارت امریکا آمده است: زلمی خلیل زاد در جریان این ملاقات‌ها درباره اقدامات اخیر خود در روند صلح و مشورت‌ها با متحدان امریکا، به مقام‌ها در کابل توضیح داده است.

در این بیانیه از نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان نقل شده که این کشور از پایان جنگ افغانستان از راه سیاسی پشتیبانی می‌کند. خلیل زاد در چهارم عقرب پس از شرکت در نشست چهارجانبه روسیه، چین، امریکا و پاکستان در مسکو، دوباره از کابل دیدار کرده است. اما به دنبال این دیدارهای خلیل زاد در کابل، حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور در یک نشست خبری، موضوع سفر خلیل زاد به افغانستان را صلح، نه، بلکه رهایی دو استاد دانشگاه امریکایی افغانستان از نزد طالبان خواند. این نخستین سفر دوره‌ای خلیل زاد پس از توقف گفت‌وگوهای صلح افغانستان به تاریخ ۱۶ سنبله توسط رئیس‌جمهور امریکا بود.

**شش دانش آموز در انفجاری در ولسوالی «درقد» تخراب گشته شدند**

جواد هجری، سخن‌گوی والی تخار، در گفتگو با روزنامه اطلاعات روز گفته است، که این رویداد صبح دیروز (شنبه، ۱۱ عقرب) در روستای «طاهری» ولسوالی «درقد» هنگامی رخ داده است که دانش‌آموزان به سوی مکتب روان بوده‌اند. منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که در نتیجه انفجار یک ماین در ولسوالی درقد این ولایت شش دانش‌آموز مکتب کشته شده‌اند. آقای هجری گفت که از ساحه‌ی رویداد اجساد دانش‌آموزان منتقل شده و از سرنوشت سه دانش‌آموز دیگر تا کنون اطلاعی در دست نیست.

او افزود که روستای «طاهری» تحت کنترل جنگ‌جویان گروه طالبان قرار دارد، به همین دلیل، نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، تا کنون نتوانسته‌اند از سرنوشت سه دانش‌آموز مفقودشده اطلاع بگیرند. سخن‌گوی والی تخار گفت که این ماین از سوی جنگ‌جویان طالب جاسازی شده بوده است. گروه طالبان اما تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت تخار در شمال شرق کشور موقعیت داشته و یکی از ولایت‌های نسبتاً ناامن به حساب می‌آید. ولسوالی «درقد» در این ولایت در ۱۹ سنبله سال جاری به دست گروه طالبان سقوط کرده بود که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در سوم عقرب موفق شدند کنترل این ولسوالی را از طالبان پس بگیرند. در همین حال چندی قبل، عملیاتی نیروهای ارتش به منظور سرکوب گروه‌های تروریستی در این ولایت انجام یافت، که در نتیجه‌ی آن بر اساس منابع محلی، شماری از رهبران نظامی گروه‌های تروریستی کشته و دست‌گیر شدند.

**انفجار ماین جان هفت غیرنظامی را در پکتیکا گرفت**

مقام‌های امنیتی می‌گویند، هفت غیرنظامی در انفجار یک ماین کنار جاده‌ای در پکتیکا کشته شده‌اند. شاه محمود آرین، سخن‌گوی فرماندهی پولیس پکتیکا در گفتگو با خبرنگار گفته است که: «صبح دیروز شنبه (۱۱ عقرب) در روستای سلطان ولسوالی «سر روضه»، یک موتر نوع سراجچه با یک ماین کنار جاده برخورد کرده و سرنشینان آن آسیب دیده‌اند.

آرین افزوده است که، در نتیجه انفجار این ماین کنار جاده‌ای، ۷ تن که همه غیرنظامی بوده کشته شده‌اند. سخن‌گوی فرماندهی پولیس پکتیکا تاکید کرد، که این ماین از سوی شورشیان طالبان جاسازی شده بود. به گفته او، در میان کشته شدگان این رویداد، تا هنوز حضور زن و کودک گزارش نشده است. اما گروه طالبان تا اکنون در مورد این حمله واکنش نشان نداده است. ولایت پکتیکا، که در جنوب شرق کشور موقعیت دارد، این ولایت در طول یک سال اخیر شاهد حملات گروه‌های تروریستی بر ولسوالی‌ها و مرکز این ولایت بوده که در آن ده‌ها تن به شمول غیرنظامیان کشته و زخمی شده‌اند.

**فراز و فرود گفتگوهای صلح؛ از آرزو تا هدف**



صفحه ۱

**عوامل تأثیر گذار در افزایش نرخ تکت‌ها در شرکت‌های ترانسپورتی هوایی**

شرکت‌های هوایی را محکوم می‌نمایند. اما شماری دیگر از کاربران بنا به دلایل مختلف، با آگاهی از وضعیت حقوقی و اقتصادی این شرکت‌ها، دست به اعتراض زده و خواهان رسیدگی به این وضعیت از سوی مراجع مسؤل شده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد که بلند بودن سطح قیمت تکت‌ها در شرکت‌های ترانسپورتی هوایی وابسته به موارد زیر است. ۱- بالا بودن قیمت تیل و استخدام کارمندان خارجی به منظور ارائه تسهیلات رفاهی بهتر و استفاده بهینه از منابع انسانی؛ کارمندان خارجی که در شرکت‌های هوایی افغانستان (خصوصی-دولتی) کار می‌کنند، به علت نبود چتر جامع امنیتی برای مسؤلین این شرکت‌ها، با معاش و امتیازات اقتصادی بالا استخدام می‌شوند. ۲- برخی مسیرهای هوایی برای شرکت‌های داخلی، اصلن منفعت نداشته و لذا رفت و آمد در آن‌ها باعث می‌گردد، تا سطح قیمت‌ها بالا رود. به‌عنوان مثال، مسیر هوایی کابل-دبی، به علت انحصار آن از سوی شرکت‌های خارجی، برای شرکت‌های افغانی منفعت بسیار اندکی به همراه دارد. ۳- شرایط خریداری تیل و مصارف سوخت، یکی دیگر از مشکلات اساسی برای شرکت‌های ترانسپورتی داخلی بوده که باعث افزایش در نرخ تکت‌ها گردیده است. دولت به منظور حمایت از سکتور خصوصی باید میکانیزم‌های

را به منظور تسهیل قیمت مواد سوختی در میدان‌های هوایی برای شرکت‌های داخلی فراهم نموده و پرهزجات طیاره‌های که از خارج خریداری می‌شوند را از محصول گمرکی معاف نمایند، تا به این صورت هم نرخ قیمت‌ها کاهش یافته و هم از سکتور خصوصی حمایت صورت گیرد. ۴- نبود ظرفیت کافی در میدان‌های هوایی افغانستان، باعث می‌گردد تا سیت و تعداد مسافران کاهش یافته و به علت بلند رفتن سطح قیمت مواد سوختی، نرخ تکت‌ها افزایش یابد. ۵- عدم سهولت در سیستم قرضه دهی بانک‌های دولتی و بلند بودن تکانه بانک‌های خصوصی، باعث می‌گردد تا هزینه‌ی شرکت‌های هوایی افزایش یافته و قیمت تکت‌ها نیز بالا رود. این موارد و ده‌ها موارد مشابه دیگر باعث گردیده است، تا سطح قیمت در تکت‌های هوایی افزایش یابد، از این رو لازم است، حکومت افغانستان بنابر ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور، از سکتور خصوصی و مشخص شرکت‌های هوایی، حمایت نموده و در زمینه فراهم سازی مواد سوخت، تسهیلات ترانسپورتی در خارج از مرزها، افزایش ظرفیت در میدان‌های هوایی کشور و نیز تسهیلات در میدان‌های هوایی بین‌المللی، تلاش نماید، تا سطح نرخ تکت‌ها کاهش یافته و مسافران با سهولت بیشتر سفر نمایند.

**ارسطویی**

شرکت‌های ترانسپورتی هوایی، بر اساس قوانین نافذی کشور، مسؤلیت پروازها به داخل و خارج از افغانستان را به عهده دارند. این شرکت‌ها که بیشتر خصوصی‌اند، از تمهیدات قانونی و میکانیزم‌های ترانسپورتی کم‌تری در سطح افغانستان نسبت به سایر کشورهای جهان برخوردار بوده و حکومت‌ها در ادوار مختلف توجه جدی نسبت به سرنوشت این شرکت‌ها ننموده است. در این اواخر، کارزار در اعتراض به بلند بودن سطح قیمت تکت‌ها و استفاده بهینه شرکت‌ها از معافیت مالیاتی در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده است. در این کارزار، مقایسه تطبیقی میان مسیرهای رفت و آمد شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی در یک مسیر هوایی مشخص صورت گرفته است. کاربران شبکه‌های اجتماعی به رغم اعتراض از بلند بودن سطح قیمت‌ها، نسبت به ارائه خدمات این شرکت‌ها نیز اعتراض نموده و از حکومت خواهان جلوگیری سؤ استفاده شرکت‌های هوایی از منابع اقتصادی و امکانات قانونی در کشور گردیده‌اند. این در حالی است، که شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی بدون کم‌ترین دانش تخنیکی و ترانسپورتی به این کارزار پیوسته و عمل‌کرد



**سواد رسانه‌ای چیست؟**



صفحه ۱

**موافقت‌نامه‌ی مناطق نفوذ در پامیر**



صفحه ۱

**طرح صلح ارگ؛ حرف تازه‌ی نیست**



صفحه ۱

## طرح صلح ارگ؛ حرف تازه‌ای نیست

شورای امنیت ملی، سه شنبه‌ی هفته گذشته طی کنفرانس مطبوعاتی طرح هفته ماده‌ای صلح حکومت را همگانی نمود، در این طرح، رییس جمهور غنی به‌منظور تسهیل روند صلح و گفتگو با گروه طالبان، طرحی را در سه حوزه جداگانه به زبان انگلیسی نوشته است. در این طرح آقای غنی توضیح داده است که برای رسیدن به صلح پایدار، باید مراحل پیشنهادی در نظر گرفته شود. این طرح شامل سه بخش جداگانه (مذاکرات با آمریکا، طالبان و پاکستان، مباحثه با کشورهای منطقه و سازمان‌های جهانی و حکومت‌داری خوب و از بین بردن عوامل جنگ در کشور) بوده که در هفت ماده‌ی مشخص قابلیت اجرا دارد.

مراحل پیشنهادی آقای غنی در این طرح با پیش شرط آتش بس، شامل خروج نیروهای خارجی از خاک افغانستان، همکاری‌های پس از خروج نیروهای خارجی، آغاز گفتگوها میان افغانان، حکومت‌داری خوب در افغانستان و نقش مردم در ساختار سیاسی آینده، بوده که به زعم هوا داران او می‌تواند گره کور گفتگوهای صلح را باز نموده و مسیر مشخصی را فراروی این روند قرار دهد. با این حال، اما عبدالله رئیس اجراییه، روز جمعه هفته‌ی گذشته، در مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌اش، طرحی صلح رییس جمهور غنی را یک آرزو دانسته و تأکید کرد که چنین طرحی به جایی نمی‌رسد.

این در حالی است که تمامی این موارد در روند گفتگوهای صلح در حال اجراست. مذاکرات میان آمریکا و گروه طالبان پس از ۹ دور متواتر، هنوز به نتیجه قابل قبول دست نیافته است، شریک شدن کشورهای منطقه در روند گفتگوهای صلح، نیز حرفی تازه‌ای نیست. قبل از طرح آقای غنی، کشورهای چون ایران، پاکستان، روسیه، چین، قطر و امارات متحده عربی هر یک با فرستادن نماینده و یا فراهم ساختن نشست‌های صلح میان سیاست مداران افغانستان و نمایندگان گروه طالبان، عملن در متن گفتگوهای صلح قرار گرفته و از جزئیات آن آگاهی نسبی دارند.

بحث فوریت در گفتگوهای صلح، نه تنها خواست آقای غنی؛ بلکه خواست تمامی طرف‌های درگیر جنگ در افغانستان است. جالب از همه این‌که شخص آقای غنی به باور بیشتر از کارشناسان مسایل سیاسی، یکی از موانع جدی فراوری موفقیت پروسه صلح و آغاز نشست‌های بین‌الافغانی محسوب می‌شود. مراحل که رییس جمهور غنی، در این طرح مطرح ساخته بلکه تکرار همان گفته‌های آقای خلیل‌زاد و سیاست‌گران افغانستان در روند صلح است. بحث خروج نیروهای خارجی از کشور، آغاز گفتگوهای بین‌الافغانی، آتش بس عمومی و نقش مردم در ساختار سیاسی آینده افغانستان؛ نه تنها حرف و شعار آقای غنی در مذاکرات صلح است؛ بلکه خواست و مطالبه صدها شهروندی این کشور می‌باشد. ارگ ریاست جمهوری با همگانی ساختن این طرح به دنبال بزرگ نمایی رییس جمهور غنی و نیز تعهد آشکار او به پروسه صلح بوده تا در سایه آن بتواند افکار عمومی را به نفع رییس جمهور مدیریت نماید.

اگر ارگ و شخص آقای غنی واقعن برنامه‌ای عملی برای گفتگوهای صلح با گروه طالبان دارد، چرا و بر مبنای کدام منطق حقوقی مشخص، تا هنوز به شکل سمبولیک فهرست هیئت مذاکره کننده حکومت را نهایی نساخته است؟ اگر حکومت اراده واقعی برای ختم جنگ و خشونت در کشور دارد، چرا خود در روند گفتگوهای صلح تلاش جدی به خرج نمی‌دهد و منتظر نمایندگان آمریکا است؟

رهبری حکومت وحدت ملی نه تنها اراده‌ی واضح و جدی برای پیشبرد گفتگوهای صلح ندارد؛ بلکه در حال حاضر به‌عنوان بخشی بزرگی از موانع این پروسه بوده و برای به موفقیت نرسیدن این روند از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. تلاش‌های که به منظور موفقیت این روند از سوی کشورهای منطقه و ایالات متحده آمریکا انجام می‌شود؛ هیچ کدام در هماهنگی با حکومت افغانستان و شخص رییس جمهور غنی نبوده؛ بلکه آقای غنی خود به‌عنوان بخشی از چالش جدی برای کشورهای منطقه و جهان در موفقیت روند صلح است.

طرح ارگ برای صلح در افغانستان نه تنها تکراری و ناکام است؛ بلکه نشان دهنده بی توجهی رهبری حکومت به پروسه صلح و ختم خشونت در کشور نیز بوده و توهین آشکار به شعور سیاسی و شهروندی مردم افغانستان می‌باشد.

# فراز و فرود گفتگوهای صلح؛ از آرزو تا هدف

محمد نسیم نظری



**رییس جمهور غنی با تمام توان در همه صحبت‌های رسمی و غیر رسمی‌اش از انتخابات به‌عنوان تنها گزینه مناسب حمایت می‌نمود. هر چند عبدالله؛ رییس اجراییه پس از فشارهای بی‌امان دیپلمات‌های آمریکایی و دیدارهای پی‌هم نمایندگان کشورهای حمایت‌کننده، قانع شده بود تا پروسه صلح نهایی شده و انتخابات در زمانی دیگری محول گردد.**

است به زودی دامن‌گیر خود آنان نیز گردد، طرحی هفت ماده‌ای صلح را همگانی ساخته است. در این طرح به‌منظور رسیدن به صلح پایدار در کشور، هفت ماده‌ای پیشنهادی که شامل خروج نیروهای خارجی، آتش بس عمومی، مذاکره با پاکستان و گروه طالبان، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، اجماع داخلی، گفتگوهای بین‌الافغانی و در نظر گرفتن نقش مردم در ساختار آینده سیاسی افغانستان بوده، در گرفته شده است.

با تمام این وجود به نظر می‌رسد که گفتگوهای صلح با مشکلات ذیل مواجه است.

۱- عدم اجماع منطقه‌ای در داخل افغانستان، میان رهبری حکومت وحدت ملی و سیاست مداران برجسته‌ی کشور؛ تا زمانی که اجماع واقعی پیرامون صلح در داخل افغانستان شکل نگیرد، هر گونه تلاشی خارجی بدون نتیجه خواهد بود.

۲- عدم اراده واقعی و شفاف ایالات متحده آمریکا در پیوند به پروسه صلح و گفتگو با گروه طالبان؛ تا اکنون رهبری کاخ سفید و نماینده تام‌الاکتار او در افغانستان (زلمی خلیل‌زاد)، نتوانسته/ نخواسته است، اراده‌ی واقعی آمریکا را در پروسه صلح افغانستان حداقل در میز گفتگو با رهبران کشور مطرح نماید. در داخل افغانستان اکثر سیاست مداران و شهروندان کشور نسبت به عمل کرد آمریکا در مذاکرات صلح مشکوک بوده و ایالات متحده را در آوردن ثبات سیاسی، صادق نمی‌دانند.

۳- عدم اراده و درک مشترک گروه طالبان از پروسه صلح؛ گروه طالبان پس از ۹ دور مذاکره با آمریکا، تا هنوز حاضر نیست با مردم افغانستان به‌عنوان طرف اصلی مذاکرات گفتگو نمایند. نمایندگان این گروه در قطر و پاکستان، مشغول چانه‌زنی با آمریکا است؛ اما رهبران نظامی آنان در صفوف جنگ با نیروهای امنیتی افغانستان به شدت می‌جنگند. ادامه جنگ و کشتن غیر نظامیان در افغانستان، هیچ منطق انسانی و اخلاقی برای مذاکره با این گروه را فراهم نمی‌کند.

۴- عدم اراده جدی کشورهای منطقه برای ثبات سیاسی در افغانستان؛ کشورهای همسایه و منطقه با توجه به حساسیت‌های جغرافیایی شان و ظرفیت آنان در کنترل و مهار خشونت در افغانستان، تا اکنون تلاش جدی برای ختم خشونت‌ها در کشور انجام نداده است، تا زمانی که اجماع منطقه‌ای پیرامون صلح افغانستان به وجود نیاید، هرگونه مذاکره با طالبان و آمریکا، بی‌نتیجه خواهد بود.

در زمانی دیگری محول گردد؛ اما در این میان، نامزدان انتخابات ریاست جمهوری با قاطعیت تمام از پروسه انتخابات و حضور مردم پای صندوق‌های رأی دهی، حمایت نمودند.

در بیرون از حکومت، صدای هم‌نوا با زلمی خلیل‌زاد کم نبود، از حامد کرزی (رییس جمهور پیشین) گرفته تا دوستان دیرینه و دشمنان اصیل طالبان به شمول حکمتیار و جبهه شمال، همه با یک صدا از طرح آمریکا برای خروج نیروهای خارجی از خاک افغانستان و حضور طالبان در بلندترین لایه‌های تصمیم‌گیری ملی حمایت نمودند. منتقدین حکومت وحدت ملی با شعار «آینده سیاسی افغانستان را قربانی اهداف زود گذر شخصی نکنید»، از آقای غنی با جدیت می‌خواستند تا ارگ ریاست جمهوری را به خاطر مصالح‌علیای کشور به‌نفع گروه طالبان ترک نموده و از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دست بکشد. در آن چند روز اخیر، چنان فضای سیاسی افغانستان گرم گفتگوهای صلح بود، که نوبت ملاقات با خلیل‌زاد برای اکثر از سیاست‌گران برجسته‌ی افغانستان مسیر نمی‌گشت و آنان از روی ناچاری با جان بس سفیر ایالات متحده آمریکا در کابل دیدار و ملاقات می‌کردند. اما در این میان بازار رقابت برای ایجاد ارتباط با شبکه‌های طالبان در کابل نیز با شدت تمام جریان داشت. افراد و گروه‌های وابسته به طالبان که سلاح شان را به زمین گذاشتند و به‌صورت مدنی در شهر کابل سکونت داشتند، روزانه میزبانی ده‌ها سیاست مدار افغانی بود که برای چانه زنی و ایجاد روابط مستحکم با آنان ملاقات می‌کردند. فضای عمومی نیز به نفع طالبان و دستگاه‌های استخباراتی آنان مدیریت می‌شد.

در این زمان بود که دونالد ترامپ رییس جمهور آمریکا، نا وقت شب، در پی حمله‌ی گروهی مهاجمان مسلح بر ساختمان مربوط به پایگاه نظامیان آمریکا در کابل، در پیام تویتری‌اش پروسه صلح را به مدت نا معلوم متوقف ساخت. هرچند توقف مذاکرات صلح با واکنش‌های فراوان داخلی و خارجی همراه بود؛ اما زنگ آرامش نسبی برای مردم خسته از امارت طالبانی در افغانستان محسوب می‌شد. اکنون و پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، زلمی خلیل‌زاد دوباره سفرهای منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش را به‌منظور فراهم ساختن زمینه‌های گفتگو با گروه طالبان از سر گرفته است.

آن طرف ماجرا؛ اما رییس جمهور غنی و جناح حاکم در ارگ ریاست جمهوری کابل، به زعم خود شان به‌منظور جلب افکار عمومی و مدیریت بحران فراگیری که ممکن

روند گفت‌وگو با گروه طالبان نیمه‌های سال گذشته، پس از تعیین شدن زلمی خلیل‌زاد (آمریکایی افغانی‌تبار) به حیث نماینده‌ی ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور صلح افغانستان، به‌صورت رسمی آغاز گردید. زلمی خلیل‌زاد بر اساس شناخت و تجربه فعالیت‌های سیاسی‌اش، توانست با گروه طالبان برای تشکیل جلسات مقدماتی در مورد صلح افغانستان هماهنگی ایجاد نماید. این سیاست مدار کار کشته، پس از چانه زنی‌های فراوان با نمایندگان طالبان توانست طی یک سال گذشته در ۹ دور متواتر در کشورهای امارات و قطر به‌منظور حل بحران افغانستان از نزدیک گفتگو نماید. مذاکرات آمریکا با طالبان پس از آن حالت رسمی یافت، که گروه طالبان به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر در صفوف نمایندگان دیپلماتیک خویش و نیز تسریع روند مذاکرات، ملا برادر را به حیث رییس دفتر سیاسی و مسؤول اصلی تیم مذاکره کننده با آمریکا تعیین نمود. پس از تعیین ملا برادر و سابقه سیاسی او با پاکستان، گمانه‌ها مبنی بر این‌که مذاکرات صلح افغانستان به زودی به نتیجه خواهد رسید، بیشتر از پیش افزایش یافت.

این در حالی بود، که زلمی خلیل‌زاد نماینده‌ی آمریکا، نیز از حضور ملا برادر در تیم مذاکره کننده استقبال نموده و حضور او را بستر ساز گفتگوهای مؤثر با گروه طالبان خواند. با این همه، در آخرین دور از مذاکرات (دور نهم)، زلمی خلیل‌زاد در سفرش به کابل به‌منظور شریک ساختن آخرین معلومات و پیشرفت‌ها در پروسه صلح با رهبری حکومت وحدت ملی و نمایندگان احزاب سیاسی، در مصاحبه اختصاصی‌اش با طلوع نیوز، از نهایی سازی پروسه صلح و امضای زود هنگام توافق‌نامه با گروه طالبان خبر داد. او افزود «ما در پرنسیپ با گروه طالبان به نتیجه رسیده‌ایم و اکنون زمان آن است تا افغانان برای حل مشکلات شان در مذاکرات بین‌الافغانی شرکت نموده و سرنوشت جمعی شان را تعیین نمایند».

این در حالی بود، که فضای سیاسی افغانستان حاکی از نوع تعاملات پنهانی خلیل‌زاد با نمایندگان گروه طالبان در قطر داشت و رهبران حکومت وحدت ملی مخصوصن رییس جمهور غنی با تمام توان در همه صحبت‌های رسمی و غیر رسمی‌اش از انتخابات به‌عنوان تنها گزینه‌ی مناسب حمایت می‌نمود. هر چند عبدالله؛ رییس اجراییه پس از فشارهای بی‌امان دیپلمات‌های آمریکایی و دیدارهای پی‌هم نمایندگان کشورهای حمایت‌کننده، قانع شده بود تا پروسه صلح نهایی شده و انتخابات

# سواد رسانه‌ای چیست؟

عاقله اسلمیار



**امروزه در یک جهان رسانه‌ای شده زندگی می‌کنیم و زندگی ما به رسانه‌ها وابسته است به‌گونه‌ای که، رسانه‌ها و به‌طور ویژه، رسانه‌های جمعی (اینترنت)، جایگاه مهمی را در تولید نقش‌های زندگی، به خود اختصاص داده‌اند. این رسانه‌ها در میان دانش آموزان (نوجوانان و جوانان)، جذابیت خاصی دارند.**

یک جهان رسانه‌ای شده زندگی می‌کنیم و زندگی ما به رسانه‌ها وابسته است به‌گونه‌ای که، رسانه‌ها و به‌طور ویژه، رسانه‌های جمعی (اینترنت)، جایگاه مهمی را در تولید نقش‌های زندگی، به خود اختصاص داده‌اند. این رسانه‌ها در میان دانش آموزان (نوجوانان و جوانان)، جذابیت خاصی دارند، به گونه‌ای که زندگی بسیاری از این گروه سنی به رسانه‌ها پیوند خورده است. سواد رسانه‌ای به دریافت کنندگان پیام‌های رسانه‌های آزاد جمعی کمک می‌کند، تا به مشارکت کنندگانی آزاد در این فرایند تبدیل شوند تا منفعل و ساکن در مقابل تصاویر و ارزش‌ها بنشینند که در یک جریان یک‌طرفه از منابع رسانه‌ای ارسال می‌شوند. هم‌چنین تولید و ارسال اطلاعات بی‌مصرف، آن‌هم به مقدار بسیار زیاد، از طرف موسیس ابزار رسانه‌ها که در پی گسترش فرهنگ خود

**مخاطب با داشتن سواد رسانه‌ای در مواجهه با پیام‌های مختلف از رسانه‌ها و برای دریافت معنای حقیقی آن‌ها، دو مرحله‌ی گزینش‌گری و پردازش‌گری را باید پشت سر بگذارد. بدین ترتیب، سواد رسانه‌ای همانند فیلتری عمل خواهد کرد، تا جهان متراکم از پیام، از لایه‌های فیلتر سواد رسانه‌ای عبور کرده و شکل مواجهه با پیام معنادار شود.**

هستند. یکی دیگر از موارد برای درک سواد رسانه‌ای است. در این میان اکثر کشورهای سرمایه‌داری با ابزارهای مختلف به انتقال و گسترش فرهنگ خود در کشورهای جهان سوم می‌پردازند. ابزار که بر اساس نیازهای آن‌ها ساخته شده است و همین ابزارها بدون نیاز و قبل از آموزش فرهنگ استفاده‌ی آن در دسترس جامعه ما قرار می‌گیرد؛ اما از آن‌جایی که بدون سواد رسانه‌ای، نمی‌توان گزینش‌های صحیح از پیام‌های رسانه‌ای داشت، به گمان من نهادهای آموزشی، مدنی و رسانه‌ای در افغانستان باید به این امر کمک کنند. نهادهای آموزشی مثل مکاتب، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های مختلف می‌توانند مفهوم سواد رسانه‌ای را در کتب درسی ارائه کنند. اگر نهادهای ذکر شده در این عرصه فعال شوند، باعث می‌شود تا مخاطبان درک عمیق‌تری از آنچه می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند داشته باشند. در حالی که می‌توان فاقدان سواد رسانه‌ای را طعمه‌های اصلی در فضاهای رسانه‌ای به‌شمار آورد، افراد دارای سواد رسانه‌ای نه تنها اسیر محصولات رسانه‌ای نمی‌شوند، بلکه قضاوت‌های صحیح‌تری از محیط پیرامون خود دارند.

هم‌چنین حمایت نهادهای آموزشی از طریق گنجاندن مفاهیم سواد رسانه‌ای در کتب درسی دانش آموزان و دروس دانشگاه‌ها، می‌تواند مفید بوده و خود رسانه‌ها هم با توجه به جغرافیای مخاطبان خود، می‌توانند مفاهیم مرتبط با سواد رسانه‌ای را منعکس کنند.

مزایای سواد رسانه‌ای

زمانی را که ما صرف رسانه‌ای خاص نظیر اینترنت، تلویزیون و ... می‌کنیم، شخص کاربر باید احساس کند که در این رابطه‌ی متقابل به منفعتی دست خواهد یافت. یعنی شخص باید محاسبه کند، که در قبال وقت و هزینه‌ای که صرف استفاده از این رسانه‌ها کرده است، چه چیزهایی را به دست آورده و چه چیزهایی را از دست داده است.

یکی دیگر از مزایای سواد رسانه‌ای این است که به افراد می‌آموزد، در فضای موجود رسانه‌ها، اشیا از اطلاعاتی هستند که به برخی از آن‌ها به هیچ وجه نیازی نیست و شخص باید از اطلاعات اطراف، بر اساس نیازهایش استفاده کند تا دچار سردرگمی نشود. در صورتی که شخص از سواد رسانه‌ای مناسبی برخوردار باشد، می‌تواند با کم‌ترین وقت به مطالب مورد نظر خود در اینترنت دست رسی پیدا کند، بدون این‌که در سایت‌های مشغول شود، که هیچ ربطی به موضوع مورد نظر وی ندارد. در جامعه‌ای که مردم از سواد رسانه‌ای برخوردارند، می‌دانند که به چه رسانه‌هایی مراجعه کنند و نیازهای خود را از کدام رسانه برطرف کنند و این خود باعث می‌شود که از سر درگمی و بی‌هدفی مخاطب جلوگیری شود. هم‌چنین فردی که به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه‌ها توجه می‌کند و به پرسش‌ها و موضوعات عمیقی مانند چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را می‌سازد؟ یا چه اهدافی فرستادن پیام دنبال می‌شود؟ چه کسی از ارسال پیام فایده می‌برد؟ و چه کسی ضرر می‌کند؟ ... می‌پردازد. در این مرحله با توجه به ویژگی‌های پیام دهنده، به گزینش پیام‌ها پرداخته و برخی از پیام‌های مطلوب را برگزیده و دیگر پیام‌ها را نادیده می‌گیرد. سپس با کمک برخی مهارت‌های لازم برای تماشای انتقادی به تجزیه و تحلیل و پرسش درباره‌ی چارچوب ساخت پیام و جنبه‌های آن می‌پردازد.

در نهایت می‌توان گفت مخاطب با داشتن سواد رسانه‌ای در مواجهه با پیام‌های مختلف از رسانه‌ها و برای دریافت معنای حقیقی آن‌ها، دو مرحله‌ی گزینش‌گری و پردازش‌گری را باید پشت سر بگذارد. بدین ترتیب، سواد رسانه‌ای همانند فیلتری عمل خواهد کرد، تا جهان متراکم از پیام، از لایه‌های فیلتر سواد رسانه‌ای عبور کرده و شکل مواجهه با پیام معنادار شود.



## موافقت‌نامه‌ی مناطق نفوذ در پامیر

از ارل آف. کمبرلی به م. دی. ستال. وزارت خارجه ۱۱ مارچ ۱۸۹۵م جلالت مابا! در نتیجه مذاکرات که بین حکومتین روی داد، در باره تعیین مناطق نفوذ برطانیه و روسیه در شرق جهیل و کتوریا (زرقول) بر موارد ذیل موافقه به عمل آمد:

۱- منطقه نفوذ برطانیه کبیر و روسیه در شرق جهیل و کتوریا (زورقول) به وسیله خطی که در کنار شرقی جهیل از نقطه نهایی آن آغاز شده و با سلسله کوه‌های که در جنوب افتاده‌اند و تا کوتل‌های بند یرسکی و اورتابیل می‌رسند، تقسیم و بخش خواهد شد. از این‌جا خط فاصل با همین سلسله کوه‌ها امتداد یافته و جنون پهنای جهیل مذکور را خواهد گرفت و بعد از آن برآمدگی همین کوه را با استقامت قول رباط واقع کنار دریای آفسو به شرط که پهنای شمالی جهیل مذکور را در بر نگیرد قطع می‌کند و شرقن تا سرحدات چین می‌رسد. اما اگر قول رباط در اراضی شمالی جهیل مذکور واقع باشد، پس خط فاصل مذکور به نقطه مناسب و نزدیک‌تر دریای آفسو به طرف جنوب برده شود، و بعد از آن مانند سابق به سرحدات چین پیوسته گردد.

۲- خط فاصل مذکور باید تعیین و نشانی شده و منظوری نهایی آن به کمسیون مشترکی که خالص تکنیکی بوده و در تحت حافظت یک عده عساکر ضروویه کار کند سپرده شود، اعضای این کمسیون عبارت از نمایندگان برطانیه و روسیه و معاونین تکنیکی ایشان باشد. حکومت علیا حضرت ملکه برطانیه از طرف ولاحضرت امیر افغانستان هم درین کمسیون نمایندگی خواهد کرد.

۳- این کمسیون تمام حقایقی را که در باره وضع سرحدات چینی آن منطقه بدست آورند راپورت خواهد داد. تا به وسیله آن حکومتاین روسیه و برطانیه بتوانند با حکومت چین در باره تعیین سرحدات آن اراضی به موافقه‌ای برسند.

۴- حکومت علیا حضرت ملکه برطانیه از اعمال هر گونه نفوذ سیاسی در شمال خط معین مرزی و نیز حکومت اعلی حضرت امپراطور روسیه در جنوب همان خط از بسط نفوذ سیاسی اجتناب خواهند نمود.

۵- حکومت علیا حضرت ملکه برطانیه تعهد می‌کند، که تمام مناطق داخل نفوذ برطانیه بین هندوکش و خطی که از کنار آخرین شرقی جهیل و کتوریا تا سرحدات چینی می‌رسد، داخل کشور امیر افغانستان بوده و ضمیمه متصرفات برطانیه نخواهد بود، و نه در آن کدام قرارگاه عسکری یا قلعه‌ای بنا خواهد شد.

تطبق این موافقه نامه وقتی صورت می‌گیرد، که والا حضرت امیر افغانستان تمام مناطق دست راست دریای پنجه را که اکنون بران تسلط یافته تخلیه نماید و نیز امیر بخارا حصه‌ای از درواز را که به جنوب آمو افتاده فرا گذرد، که درین باره حکومتین روسیه و برطانیه از نفوذ خود بر هر دو امیر کار خواهد گرفت.

خیلی مسرور میشوم، اگر جلالت ماب شما این موافقه نامه را که بنام حکومتین ترتیب شده تصدیق نموده و از رسیدن آن اطمینان دهید. (امضای: کمبرلی)

(تصدیق م. دی. ستال بتاريخ ۱۱ مارچ ۱۸۹۵م با متن فرانسوی موافقه نامه فوق رسید)

بدین صورت گویا مناطق نفوذ انگلیس و روسیه معین و خط فاصل نیز تحدید گردید، و یک منطقه فاصل بین سرحدات شمالی هند و جنوبی روسیه آسیایی در واخان به وجود آمد، که مالک آن امیر عبدالرحمن بود. پس مذاکرات ۱۸۹۳م دیورند با امیر عبدالرحمن موافقه نامه ۱۸۹۵م سابق الذکر را به وجود آورد، و هر دو امیر افغانستان و بخارا به آن سر فرو آوردند، قبل از ختم سال مذکور خطوط سرحدی به وسیله یک کمسیون مختلطی تعیین شد، و احتیاجی هم به فرستادن قوای عسکری با کمسیون مذکور نبود، زیرا طرفین با کمال یکرنگی و رفاقت وظایف خود را به انجام رسانیدند ۱۸۸۴م.

سرتوماس هولدیچ سر پیمایش گر هیئت برطانوی می‌نویسد: که به ارتفاع ۲۰هزار فت از سطح بحر در این‌جا در پامیر سه امپراطوری بزرگ (روسیه و انگلیس و چین) تماس می‌کنند و مماس سه نیرو است، که حتی خدایان اساطیری هند نیز چنین تخت گاه شگرفی را نداشته‌اند!

منبع: حبیبی عبدالحی، ۱۳۸۰، تاریخ شاهنشاهی افغان، مرکز تحقیقات علامه حبیبی

سواد رسانه‌ای (Media Literacy) در یک تعریف کلی عبارت از یک نوع درک متکی بر مهارت بوده که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک کرد.

در دنیای امروز، رسانه‌ها یکی از اجزای اصلی زندگی در جوامع بشری به شمار می‌رود؛ در این میان آنچه در جوامع امروزی و به‌طور خاص در جامعه (افغانستان) حائز اهمیت است، بحث در باره‌ی نحوه استفاده صحیح از این رسانه هاست. سواد رسانه‌ای در جهان، بحث تازه‌ای نیست. این بحث برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در اروپا مورد توجه قرار گرفت. به همان اندازه که این مفهوم در بین جوامع غربی آشنا و مانوس است، در افغانستان مفهومی جدید و دست نخورده به شمار می‌آید و هیچ منابع و اثر تالیفی را نمی‌توان در این زمینه یافت. در عصر اطلاعات، مفهوم سواد فراتر از خواندن و نوشتن هست و اگر کسی نحوه دسترسی و استفاده صحیح از رسانه‌ها را نداشته باشد بی‌سواد تلقی می‌شود. همانطور که سواد خواندن و نوشتن به ما کمک می‌کند که انواع جملات ساده و پیچیده را بفهمیم، سواد رسانه‌ای هم مهارتی است که با یادگیری آن می‌توانیم انواع رسانه‌ها و تولیدات رسانه‌ای را درک کنیم.

ضرورت سواد رسانه‌ای

امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد. فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است. در عین حال کاربران درکنار استفاده از رسانه‌ها و به خصوص اینترنت به‌عنوان رسانه‌ی جمعی، با داشتن سواد رسانه‌ای مجهزتر هستند. استفاده از رسانه‌ها بدون داشتن سواد رسانه‌ای، می‌تواند با اثرات نامطلوبی همراه باشد. هم‌چنین با افزایش دسترسی به رسانه‌ها، آسیب‌های اجتماعی جدیدی در جامعه بروز کرده است، که میزان سواد رسانه‌ای کاربران، در آن نقش دارد. با توجه به زندگی در عصر اینترنت و استفاده روزافزون به‌ویژه دانش آموزان از این رسانه‌ها و ازسویی افزایش آسیب‌های اجتماعی نوپدید فضای مجازی، ارتقای سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش موثری در کاهش این نوع آسیب‌ها و استفاده هوشمندانه از اینترنت داشته باشد. موثرترین راه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی از فضای مجازی و رسانه‌ها، کسب آموزش‌های تخصصی و امنیتی استفاده از اینترنت و در مجموع، ارتقای سطح سواد رسانه‌ای است. چون فضای مجازی نوعی اجتماع و همزیستی بزرگی بوده، که میلیون‌ها کاربر آن در سراسر جهان به هم می‌پیوندند. امروزه در

تحلیل

## علل تفویض صلاحیت طلاق به مرد در اسلام

پوهیالی حمیدالله ابراهیمی

دین مقدس اسلام و به تبعیت از آن، قانون مدنی افغانستان، با توجه به طبیعت و فطرت زن و مرد و نحوه ارتباط آن‌ها و پیوند زناشویی بین آن‌ها، با وجود شریک بودن زن در عقد ازدواج، حق طلاق را به مرد می‌دهد و حق طلاق را حق طبیعی مرد می‌داند. فقره ۲ ماده ۱۳۵ قانون مدنی کشور در زمینه چنین صراحت دارد «طلاق از جانب زوج یا محکمه با صلاحیت به درخواست زوجه مطابق به احکام این قانون صورت می‌گیرد» طبق ماده مزبور، زن هم می‌تواند مطابق به احکام قانون، از محکمه با صلاحیت تقاضای طلاق نماید. تفویض صلاحیت طلاق به مرد در اسلام، بنا بر چند دلیل منطقی و منطبق بر فطرت و طبیعت زن و مرد وجود دارد:

۱. طبیعت و فطرت انسانی این مسئله را تأیید می‌کند؛ زیرا، طلاق و ازدواج در جوامع اولی بر مبنای عادت فطری صورت می‌گرفته است، که همواره مذکر به دنبال مؤنث می‌رود و او را می‌طلبد، مؤنث مذکر را نمی‌طلبد، او را خواستگاری نمی‌نماید، پس، همان‌گونه که در طلب و خواستگاری، رأی مرد به حساب می‌آید، در ترک پیوند زوجیت نیز رأی مرد معتبر است. بنابر این بر مبنای این عادت فطری، نظام طلاق در برابر ازدواج، تنها در اختیار مرد است.

۲. زمانی که مرد برای پیمان زناشویی از نظر مالی هزینه کرده است، روا است حق طلاق هم به او داده شود. زیرا که در طلاق کوچک‌ترین ضررمالی به زن وارد نمی‌شود. پس از این که زن درخواست مرد را برای زناشویی قبول کرد، مرد بخشی از مال خود را به عنوان هدیه، ولور و یا مهر می‌دهد و از زن انتظار دارد که همسر و همراه او باشد. با کمی دقت در می‌یابید که این پیوند و فسخ آن، از نظر مالی برای مرد هزینه دارد و در ازای این پیوند، بخشی از مال خود را پیشکش کرده است و بخشی هم به‌عنوان نفقه پرداخت می‌کند، مصارف حضانت و سرپرستی طفل نیز به عهده‌ی مرد است، پس بسیار منطقی است که مدت این زناشویی فقط توسط مرد قابل تغییر باشد؛ چرا که از نظر مالی، فسخ این پیمان برای مرد ضرر و زیان خواهد داشت.

۳. با توجه به احساساتی‌تر بودن و سرعت در اظهار عواطف فراوان خانم‌ها که در علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز اثبات شده است، در مورد حق طلاق نیز این خصوصیات زنان در نظر گرفته شده است و برای حفظ و بقای کانون خانواده و آسیب‌های احتمالی، حق طلاق به مردان داده شده است. در حال حاضر در آمریکا نظر به ملاحظه‌ی آمارهای طلاق، ۶۹ درصد طلاق‌ها به ابتکار خانم‌ها و ۳۱ درصد به دست مردان است. و در کشور فرانسه هم بر اساس برخی آمارها، علت طلاق در آن کشور ۸۷ درصد از سوی زنان بوده است. پس، سپردن اختیار طلاق به زن، علاوه بر این که آمار طلاق را در جامعه بالا می‌برد، باعث سستی کانون محبت خانواده نیز می‌گردد و محبت زن را در دل مرد کاهش می‌دهد. با ذکر ملاحظه دلایل فوق، صلاحیت طلاق در اسلام به مردان واگذار گردیده است.

## ابهام در روند شمارش آرای بیومتریک؛ آیا کمیسیون ظرفیت مدیریت پروسه انتخابات را دارد؟

تا اکنون بر اساس عمل‌کرد مدیران ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی، حد اقل در موارد مهم تصمیم‌گیری این مسؤلان ناکام بوده و کارنامه‌ی موفق‌ی ندارند، کمیسیون مستقل انتخابات به‌عنوان اصلی‌ترین ارگان تمثیل دموکراسی و کمیسیون شکایات انتخاباتی، به حیث مرکز جمع بندی شکایات و تصمیم‌گیری در مورد متخلفین انتخاباتی، مسولیت دارند تا از تمام امکانات موجود استفاده نموده و از آرای پاک مردم حفاظت نمایند.



بر بنیاد گزارش‌ها از کمیسیون مستقل انتخابات، تفکیک آرای بیومتریک دلیل اصلی تأخیر در اعلان نتایج ابتدایی بوده و به گفته مسؤلان این کمیسیون، تلاش‌ها برای پاک سازی آرا جریان دارد. این گزارش‌ها در حالی دست به دست می‌شوند که چندی قبل، دسته‌ای انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی ادعا نموده بودند، که در دب دیجلی مرکز جمع بندی آرا در کمیسیون مستقل انتخابات شکسته شده و در آرا دست برد صورت گرفته است. با این وجود به نظر می‌رسد، که هر قدر نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان با تأخیر اعلان شود، پیامدهای ناگوار و غیر قابل جبران برای کمیسیون‌های انتخاباتی دارد.

مسؤلان کمیسیون‌های انتخاباتی موظف‌اند تا بر اساس حکم صریح قانون اساسی کشور و نیز احکام نافذ، بر اساس طرزالعمل‌های تصویب شده در این نهاد، تصمیم‌گیری نموده و از دخالت‌های سیاسی و تیمی دسته‌های انتخاباتی جلوگیری نمایند. تا اکنون بر اساس عمل‌کرد مدیران ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی، حد اقل در موارد مهم تصمیم‌گیری این مسؤلان ناکام بوده و کارنامه‌ی موفق‌ی ندارند، کمیسیون مستقل انتخابات به‌عنوان اصلی‌ترین ارگان تمثیل دموکراسی و کمیسیون شکایات انتخاباتی، به حیث مرکز جمع بندی شکایات و تصمیم‌گیری در مورد متخلفین انتخاباتی، مسولیت دارند تا از تمام امکانات موجود استفاده نموده و از آرای پاک مردم حفاظت نمایند. فیصله‌های کمیسیون مستقل انتخابات مبنی بر شمارش آرای بیومتریک شده و ثبت آن‌ها در سرور مرکزی، باید هرچه عاجل عملی شده تا اعتماد از دست رفته‌ی این کمیسیون دوباره میان مردم افغانستان و نهادهای همکار بین‌المللی احیا گردد؛ در غیر این صورت تداوم نابسامانی و تنش‌ها در درون رهبری این نهادها می‌تواند، خسارات غیر قابل جبران برای ثبات سیاسی و تداوم مردم سالاری در افغانستان به بار آورد.

اما مسؤلان کمیسیون مستقل انتخابات پس از چاشت روز جمعه (۱۰ عقرب) طی خبرنامه‌ی اعلان نمودند که در گزارش شرکت در ملوگ مشخص نشده است که این آرا مربوط کدام محل و در کدام ولایت بوده است. ذبیح الله سادات معاون سخن‌گوی کمیسیون مستقل انتخابات در گفتگو با رسانه‌ها تأکید کرد، که هرچند در گزارش شرکت درملوگ، میزان آرای تکراری و آرای که توسط افراد زیر سن استعمال شده است، مشخص نگردیده اما رهبری کمیسیون مستقل انتخابات متعهد است تا این آرا را مشخص ساخته و در سرور مرکزی تصحیح نماید. این در حالی است که روز جمعه هفته گذشته (۱۰ عقرب) دسته انتخاباتی «ثبات و هم‌گرایی» به رهبری عبدالله در نامه‌ای که به کمیسیون مستقل انتخابات فرستاده‌اند، ادعا کرده است، که اطلاعات ۱۳۷۶۳۰ رأی دهنده که آرای آن‌ها در بانک اطلاعات مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات ثبت شده‌اند، پرسش برانگیز است و آرای آن‌ها نیز بی اعتبار می‌باشد. در این نامه آمده است که اطلاعات در باره این شمار رأی، به‌گونه مرموز ثبت بانک اطلاعات مرکزی شده و هیچ دسته‌ای انتخاباتی در هنگام ثبت آن‌ها حضور نداشته‌اند.

**تأخیر در اعلان نتایج، فرصت مناسب برای افراد و حلقاتی که در تلاش مهندسی انتخابات‌اند، به دست می‌دهند تا آنان به راحتی سرور مرکزی را به نفع خودشان تغییر داده و از اعلان نتایج شفاف جلوگیری نماید. در همین حال، پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته (۹ عقرب) شرکت فن آوری درملوگ، از سپردن اطلاعات تمامی آرای به کمیسیون مستقل انتخابات خبر داده است. بر بنیاد گزارش درملوگ، اطلاعات در باره‌ی شمار آرای پاک و ناپاک و نیز آرای که از سوی رأی دهندگان زیر سن قانونی استعمال شده‌اند، به کمیسیون مستقل انتخابات فرستاده شده است.**

### امیرپنهاییان

یک‌شنبه هفته‌ی گذشته (۵ عقرب ۱۳۹۸) حوا علم نورستانی، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در یک نشست خبری، ۲۳ عقرب را تاریخ اعلان نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان اعلان نمود. خانم نورستانی دلیل تأخیر در اعلان نتایج ابتدایی را بررسی همه جانبه پروسه انتخابات و تفکیک آرای پاک از آرای بدون بیومتریک خوانده و تأکید نمود، که رهبری کمیسیون مستقل انتخابات، با تمام وجود آماده‌اند تا در مقابل تقلب و تخلف انتخاباتی در هر سطحی مقاومت نموده و از آرای پاک مردم افغانستان حمایت نمایند.

به باور خانم نورستانی، مشکلات تخنیکی در پروسه، باعث می‌شود، تا فرصت زمانی بیشتر برای حل آن مصرف شده و نتایج مطلوب به دست آید. این در حالی است که بر اساس تقویم اعلان شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، نتایج ابتدایی باید در ۲۷ هفتم ماه میزان و نتایج نهایی در ۱۸ ماه عقرب همگانی می‌گردید. به دنبال تأخیر در اعلان نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری، شماری از ناظران دسته‌های انتخاباتی، از تأخیر در اعلان نتایج، ابراز نگرانی نموده و آن را زمینه ساز تقلب در نتایج آرا می‌دانند.

این ناظران تأکید می‌کنند، که تأخیر در اعلان نتایج، فرصت مناسب برای افراد و حلقاتی که در تلاش مهندسی انتخابات‌اند، به دست می‌دهند تا آنان به راحتی سرور مرکزی را به نفع خودشان تغییر داده و از اعلان نتایج شفاف جلوگیری نمایند. در همین حال، پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته (۹ عقرب) شرکت فن آوری درملوگ، از سپردن اطلاعات تمامی آرای به کمیسیون مستقل انتخابات خبر داده است. بر بنیاد گزارش درملوگ، اطلاعات در باره‌ی شمار آرای پاک و ناپاک و نیز آرای که از سوی رأی دهندگان زیر سن قانونی استعمال شده‌اند، به کمیسیون مستقل انتخابات فرستاده شده است.